



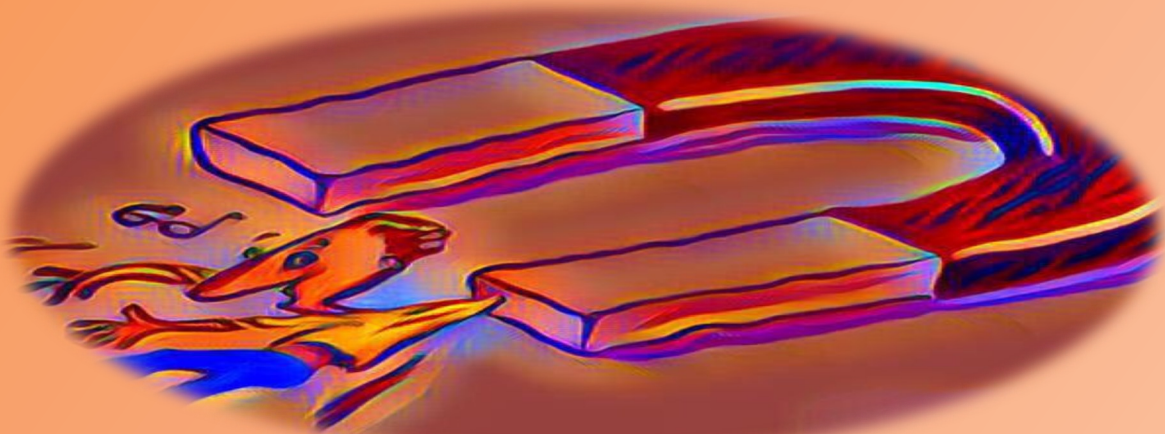
حذب و دفع

گزیده‌های از سخنان

حجت الاسلام قرائتی

فهرست:

آیت الله سعیدی چرا محبوب بود؟	۱۲	کج روی در کار فرهنگی	۱
ترفیع به تعداد کارت های دعوتی	۱۳	برای جذب افراد چه کاری انجام دهیم؟	۲
آهوی رمیده			
این ها ایدئولوژی نمی خواد.	۱۴	مغز قرآن	۳
خاک این باغچه را باید عوض کرد...		رو راست باش!	
عمامه ای از جنس نور			
جذب امام سجاد (ع)	۱۵	اخلاق اسلامی، نه ایدئولوژی	۴
جاذبه نان		حساس نشو!	
امام رضا (ع) چطور جذب کرد؟		اهدنا الصراط المستقیم.	
جذب علامه طباطبایی		ابوترابی رهبر شد.	
بهتر از من	۱۶	نکات قابل تأمل	۷
امام سه ساله !!!		از مردم، در مردم، با مردم	
امام زمان زن و بچه دارد؟		ایدئولوژی با شکم خالی!!!	
انسان ربا	۱۷	ولایت فقیه در این کتابا نیست!	۹
حرف نو	۱۸	بگو بلد نیستم.	
خرج احمقانه	۱۹	راه نفوذ	۱۰
حرف حق	۲۰	پزشک صالح	۱۱
		آخوند اطفال	۱۲



کجراه فرهنگی

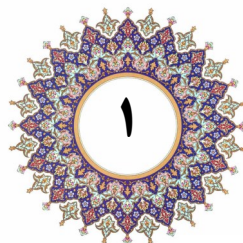
کار فرهنگی مهم ترین کار است زیرا مهم ترین آدم ها مسئول آن هستند. مهم ترین آدم ها انبیا بودند. انبیا و اوصیا کارشان فرهنگی بود. اگر کار فرهنگی کج برود خطرناکترین کارهاست. خداوند به کسانی که ضربه اقتصادی می‌زنند فقط یک مرتبه فرموده است: «ویل للمتفین» (وای به کم فروشان) و به کسانی که در جامعه ناهنجاری به وجود می‌آورند. فقط یک مرتبه فرموده است: «ویل لکل همزه» (وای به کسانی که به دیگران نیش می‌زنند) اما به کسانی که در کار فرهنگی خلافا کنند سه مرتبه فرموده است: ویل در سوره بقره آیه ۷۸ سه مرتبه فرموده: ویل ویل ویل یعنی وای وای وای به حال کسانی که در کار فرهنگی کج بروند.

برای جذب افراد چه کاری انجام دهیم؟ قران کد داده است و فرموده اگر می‌خواهی افراد را جذب

کنی خودت آدم خوبی باش، مردم جذب می‌شوند. امام حسین (ع) چطور خاکستری‌ها را جذب کرد؟ روز عاشورا همه مردم حتی اونایی که نماز نمی‌خونن و روزه می‌خورند سینه می‌زنند. باید بریم توی خط امام حسین نه جامعه شناسی نه روانشناسی نه ایدئولوژی و نه عرفان. من در عمرم یک دقیقه فلسفه نخوندم، یک دقیقه عرفان نخوندم تا الان هم که ۷۲ ساله یک لحظه هم پشیمون نشدم.

قران می‌فرماید: «آمنو و عملو الصالحات...» (اگر اهل ایمان و عمل صالح باشید مردم شما را دوست دارند). اگر مردم ما را دوست نداشتند، باید بگیم خدا به ما دروغ گفت و به وعده خود وفا نکرد یا میشه گفت آمنوی ما لغو شده یا علیات صالح ما لغو شده. چون خدا قول داده اگر ایمان و عملت درست باشد مردم دورت جمع می‌شوند. حالا اگر مردم دورت جمع نشدند سه راه دارد، نعوذ بالله یا خدا دروغ گفته (خدا دروغ که نمی‌گوید) یا آمنوی ما درست نیست یا عمل صالح ما درست نیست بنابراین راه محبوبیت، خودمان هستیم.

مرید کسی نشوید وقتی رنگ گرفتید دیگران رنگ‌ها را فراموش می‌کنند. مثلا بنده آخوند شدم خیلی از افراد از آخوند بدشان می‌آید به حق یا ناحق کاری نداریم از این لباس خوششان نمی‌آید دور ما نمی‌آیند. باید به جوری باشه مردم احساس نکنند می‌خواهی آقاشون بشی می‌خواهی روی مغزشان کار کنی شما باید کار صالح انجام دهی آنوقت خود مردم جذب می‌شوند.



مغز قرآن

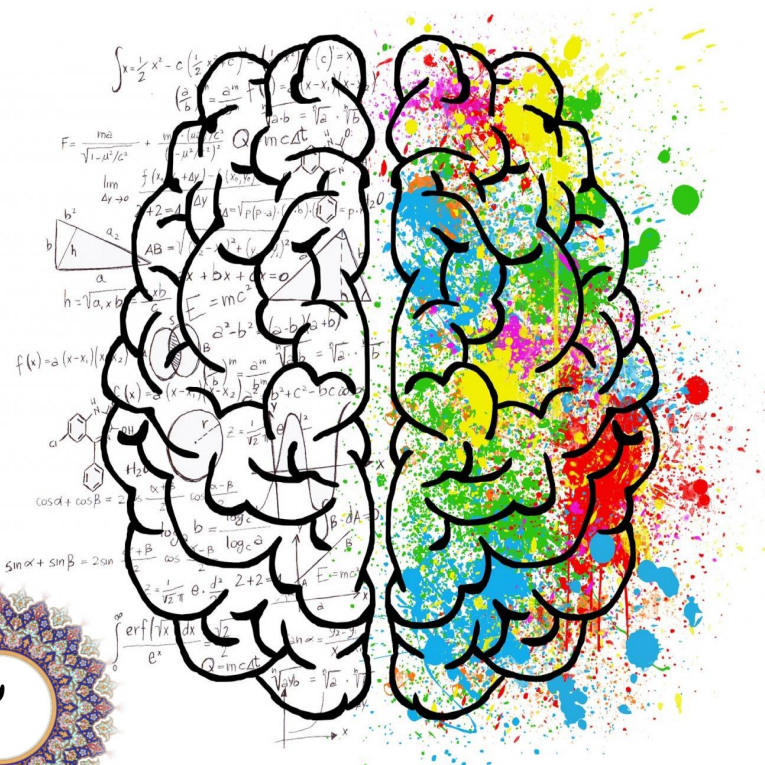
رو راست باش!

من چهار سال به قول شما ایدئولوژی و جهان بینی گفتم به صورت مجانی حالا شما به هر حال یه کبابی ابعلی، مشهدی، هتلی گاهی یه پذیرایی ازتون می‌کنند البته گاهی. اما ما چهار سال مجانی این کار را کردیم ما حتی یه اشکنه به آنها ندادیم آنها هم به ما ندادند، شاگردای تربیت شده بنده رفتند دیدار عالمی و برگشتند آن عالم آیت الله آقا شیخ یحیی انصاری دارایی بود، وقتی برگشتند گفتند آقای قرائتی

آقا اونه یعنی تو برو گم شو. **رک با همدیگه صحبت**

کنیم من به مسولین هم گفتم من رک حرف خواهم زد آماده باشید حرف‌های تلخی خواهید شنید. زیرا از بس شما گفتید حجت الاسلام یار امام خوش آمد یار امام خوش آمد و منم به شما گفتم امت حزب الله باورمان شده. به لیسانس های بیکار هم میگن نسل فرهیخته، کجاشون فرهیخته است؟ هندوانه زیر بغل کسی نگذاریم رو راست باشیم از بین جوانان، فرهیخته هم پیدا میشه به ما میگفتن چرا به ما نمی‌گویید سلسله جلیله روحانیت؟ گفتم نماز شب می‌خوانید؟ اگه بنا به این باشد که نماز صبح دو رکعت بخوانید که عمه من هم صبح دو رکعت نماز می‌خواند چطور شما جلیله شدید؟ طلبه‌ای که نماز شب نخواند یا حداقل نماز صبح و مغرب و نافله را نخواند و فقط مغرب ۳ رکعت عشا هم ۴ رکعت خب نجارای نیشابور هم همینطورن پس چرا به این آقا میگی جلیله؟ لقب گنده ندهیم.

امام خمینی (ره) نه حزب داشت، نه ایدئولوژی گفت، نه جهان بینی گفت و نه درس اخلاق گفت پس چطور مردم را جمع کرد؟ آنهايي که یک عمر می‌گفتند جاوید شاه دور امام جمع شدند، آنهايي که دوچرخه‌شان را به برادر خود نمی‌دادند بخاطر امام رفتند جبهه و جان دادند. همین عزیز حججی، این‌ها از کجا پیدا شدند؟ کتاب خواندند؟ این‌طور نیست. مشکل ما این است که کار فرهنگی هم برایمان دکان شده. محور کار فرهنگی قرآن هست یا کتاب‌های بنده و امثال بنده؟ محور باید قرآن باشد. قرآن باید جدی گرفته شود در مملکت ما قرآن جدی نیست. بیست تا قاری های بین الملل آمدند اما یک مفسر بین الملل نیامد. ما پولی که خرج پوست قرآن می‌کنیم خرج مغز قرآن نمی‌کنیم. قرآن می‌فرماید: مست سر نماز نروید و بدانید چه چیزی می‌گویید. محور کار فرهنگی



اخلاق اسلامی، نه ایدئولوژی

چهار سال ایدئولوژی مجانی گفتم رفتند دیدن آقای انصاری برگشتند و گفتند آقا اونه یعنی قرائتی تو پشمی به کلاهی نیست. گفتم خب اگه من اقا نیستم این آقای دارابی رو قبول دارم اما شما که یک ربع ملاقات کردید چی دیدید؟ گفتند ما رفتیم دیدن ایشان در حال صحبت کردن با ما بود که نگاهش را برد بیرون و حساس شد لحظاتی شد و برگشت و ادامه گفتگو و ما نفهمیدیم چه اتفاقی افتاد بعد از اینکه جلسه تمام شد آمدیم کفشهایمان را بپوشیم دیدیم آقا دیده آفتاب پشت در هست و کفشهایمان داخل آفتاب است و میسوزد تا دیده آفتاب روی کفشهای ما است یک گونی خیس کرده و انداخته روی کفش ما که پاهای ما نسوزد، محسن قرائتی چهار سال ایدئولوژی گفت، آقای شیخ یحیی یک گونی خیس کرد گونی خیس او ایدئولوژی ما را برداشت و رفت. راه این است اگر در کلاس‌هایی این‌طور است مؤثرند اما اگر فقط ایدئولوژی است هیچ چیز در آن نیست. چون آن آقایی که ایدئولوژی می‌گوید و کتاب می‌نویسد جوان‌های همسایه‌اش را نتوانست جذب کند.

از همه استفاده کنید اما مرید کسی نشوید. هر شب به یک مسجد می‌روم برای اینکه اگر مرتب به یک مسجد بروم و مرید او بشوم اما فردا به دلیلی نرفتم می‌گویند حتما آقا یه گناهی کرده که دیگر قرائتی پشت سر او نماز نمی‌خواند یعنی آقا ضایع می‌شود. شخصی از من پرسید در چه خطی هستی؟ گفتم در خط گربه گفتم یعنی چه؟ گفتم گربه به همه خانه‌ها می‌رود اما عضو هیچ کدام نیست. نمی‌شود با یک آرم عمامه و سپاه، جوان‌های خاکستری را جذب کنیم آنها از ما فرار می‌کنند باید از راه اخلاق وارد شد. با دو چشمم حدیث دیدم که گفته بود کسانی که با اخلاق مسلمان شدند آمارشان بیشتر از کسانی است که با ایدئولوژی مسلمان شدند. دو جوان آمدند سراغ ما که ما می‌خواهیم دور دنیا را با دوچرخه برویم. گفتم: هدفتان چیست؟ گفتند: می‌خواهیم پیام صلح ایجاد کنیم. گفتم: یک زن و شوهر با همدیگر قهرند می‌گذاریمشان کنار یکدیگر شما پنجاه بار دورشان بچرخ اگر صلح کردند بعد برو در دنیا صلح برقرار کن.



یک شخص آمده بود در بیت رهبری اسم آقا را سبک می گفت، می گفت: سید علی کجاست؟ بگو بیاد. گفتم آقا مؤدب باش سید علی کیه بگو مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای.گفت بگو بیاد. گفتم شما کی هستی؟ گفت: من امام زمانم ظهور کردم ایشان هم زد توی گوشش گفت چرا میزنی؟ گفت منم خدا هستم من کی به تو گفتم ظهور کن؟

قرآن را رها کردید. راه محبوبیت و جذب دل ها قرآن است اخلاق است. یک پیرمرد تقریباً ۸۰ - ۹۰ ساله یه شال بلند سفید و عمامه ای داشت گفت داخل ماشین خط بغداد نشستم یک خانم بد حجاب سوپردولوکس آمد و کنارم نشست ما دیدیم همه اتوبوس می خندند خواستیم بلند شیم دیدیم صندلی های اتوبوس پر است و مردم می خندند ما هم یک کم پشتمان را به زن کردیم که هم صندلیمون را حفظ کرده باشیم و هم بقیه بفهمند که این خانم مال من نیست. شاگرد آمد بلیطها را پاره کند من هم دستم را که بلیط در آن بود به سمت شاگرد دراز کردم یک مدت که دستم دراز بود گفت دستتان را پس بگیرید این خانم بلیط شما را هم حساب کرد. صاف نشستم و گفتم ببخشید گفت اختیار دارید شما پدر روحانی ما هستید هیچی دیگه درست نشستم. یک زن بدحجاب با پول بلیط کتف پیرمرد ۸۰ ساله را صاف کرد. انصاری دارابی یک گونی خیس کرد. راه آن است ما کجا می رویم؟ اول از همه از خدا بخواهیم بعد باید حساسیتها را کم کنیم. قرآن درباره جذب دل ها می فرماید: موسی به خدا گفت خدایا کمکم کن. حضرت ابراهیم فرمود: خدایا دل ها را جذب کن و سومین آیه محبت از طرف خداست.

حساس نشو!

اهدانا الصراط المستقیم

یک روز شخصی به دفتر ما آمد و حرف زد وقتی رفت به ما گفتند فهمیدید حاج آقا این بنده خدا انگشترش یک میلیون و نیم قیمت داشت (یک میلیون و نیم مربوط به ۲۰ سال پیش)؟ تماس گرفتم و گفتم ببخشید شما انگشترتون یک میلیون و نیم است؟ گفت: بله، گفتم شمای آخوند انگشتر یک میلیون و نیمی؟ گفت: اتفاقا جوان ها وقتی فهمیدند انگشتر من گران است دور من جمع شدند، گفتم: پس خدا راه را گم کرده چون خدا میفرماید راه دعوت موعظه است و حکمت و جدال احسن است تو میگی به انگشتر گران قیمت؟ حسینه جماران با سادگیش دنیا را جذب کرد ساختمان های های مجلل جوانان را جذب می کند؟

همه دعاها مستحب است به جز یک دعا. یک دعای واجب داریم (اهدانا الصراط المستقیم). درست آدم بفهمد راهش مستقیم باشد. ما اگر ۱۰ بار میگوییم اهدانا الصراط المستقیم پیامبر ۲۰ مرتبه میگفت چون نماز شب بر پیامبر واجب بود با وجود اینکه پیامبر ما سوار بر راه مستقیم بود. در ۲ جای قرآن آمده است که پیامبر تسلط بر راه مستقیم داشت.





ابوترابی رهبر شد.

من با ابوترابی که ۱۰ سال اسیر بود از نوجوانی با هم بودیم. ما ۱۰ سال پلو خوردیم او ۱۰ سال

ایرانی بریده شوند شما به اسم اینکه من اخلاص گرم، تو هم دو تا سیلی و دو تا لگد به من بزن ببرم یک اردوگاه دیگر چند روزی با آن اسرا کار کنم دوباره بیا بگو این اخلاص گر است دو سیلی و یک مشت و... تو با نام اخلاص گر جای مرا عوض کن که من با باقی اسرای ایرانی صحبت کنم. تو آگه این کارو کنی من تو را می‌بخشم و دعوات هم می‌کنم. با سرهنگ قرار گذاشتند سرهنگ هم این کار را کرد مدام کتک خورد و سیلی خورد جایش را عوض کرد برای نجات اینکه بچه‌های اسیر نبرن.

نماز سالی یک اجلاس دارد. ابوترابی آمده بود اجلاس نماز، گفته بود من می‌خواهم صحبت کنم رفت بالا و گفت شما که اقامه نماز نمی‌کنید ما اقامه نماز کردیم گفت دستوری از صدام آمد که سران اسرا را امشب با شکنجه بکشید آمدند داخل اردوگاه ۱۷ نفر را که احساس کردند رئیس هستند بیرون آوردند بنا براین بود که با شکنجه بکشند ابوترابی می‌گفت چنان به اینطرف و اونطرف چشم دو نفر زدند که چشمش از کاسه افتاد روی موزاییک. و خود ابوترابی میخ گذاشتند در سرش و شروع کردند به زدن که از مغزش خون و چرک می‌آمد میگفت ۱۷ نفر را به قدری شکنجه دادند که مطمئن شدند ما همه می‌میریم. سپیده زد و ما فکر کردیم سپیده صبح است و نماز خواندیم بعد فهمیدیم که این سپیده کاذب بوده و سپیده واقعی نبوده و دوباره نماز خواندیم ایشان میگفت روزی که جان می‌کندیم ۲ بار نماز صبح خواندیم پس کاری به ایدئولوژی و جهان بینی ندارد. راه این است.

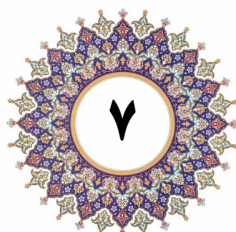
کتک خورد میخواستیم بدونم چطور رهبر شد. رهبرها اگر رهبر نظام باشد که خبرگان تعیین می‌کند، اگر رهبر، رئیس‌جمهور باشد که مردم انتخاب می‌کنند، پس این ابوترابی چطور رهبر شد؟ قبل از آن که بیاید می‌گفتند سید اسیران، این بزرگی و آقایی ابوترابی را به طور طبیعی همه پذیرفتند بدون رأی و عکس و پوستر و بنر و تبلیغات تا بالاخره کشف کردم ماجرا به این صورت بود. یک تیم از غرب آمدند بغداد به اردوگاه رسیدند به این سید گفتند اینجا شکنجه هم هست یا نه؟ ایشان تا دیدند اینها بازرس‌های غربی هستند تفره رفت، هر چه گفتند جواب نداد سرهنگی هم که مسئول شکنجه بود ایستاده بود مدام می‌گفت آقا این‌جا شکنجه هست یا نیست و باز ایشان تفره رفت. رفتند سراغ شخص دیگری سرهنگ به ابوترابی گفت من خودم شکنجه گر تو بودم. تو چرا حقیقت را نگفتی؟ گفت به دلیل اینکه اینها مسیحی‌اند عراق کشور اسلامی است درست است صدام به ما بدترین ظلم‌ها می‌کند اما بالاخره عراق اسلامی است و در قرآن آیه داریم خدا اجازه نداده کفار بر مومنین راه نفوذ داشته باشند. من آگه به این‌ها می‌گفتم این‌جا شکنجه هست غرب بر عراق راه نفوذ پیدا می‌کرد. سرهنگ با سواد عرب بود به ابوترابی نگاهی کرد وگفت چه کسانی را ما داریم شکنجه میکنیم قرآن جزء ذاتشان شده و منفعل شد. گفت سید خودم شکنجه گرم شرمندم از شغلم ابوترابی گفت اگر راست می‌گویی من یک چیزی به تو می‌گویم عمل کن من ضامنم که خدا تو را ببخشد. گفت چه می‌گویی؟ ابوترابی گفت این ایرانیان در اردوگاه‌ها پخش شوند ممکنه جوانای

نکات قابل تأمل

حسین فهمیده کجا ایدئولوژی و جهان بینی خوانده بود که امام فرمود رهبر من حسین فهمیده است. همین آقای حجی کتاب کدام فیلسوف و عارف را خوانده بود؟ بیشترین کتاب طهارت در نجف نوشته شده و کثیف ترین جا هم نجف هست. این یعنی چه؟ یعنی این تحقیقات جواب نمی‌دهد. بیشترین اسلام شناس در قم است باید بهترین بچه‌ها در قم باشند اینطور است؟ اگر بیشترین اسلام شناس در قم است ولی بهترین بچه‌ها در قم نبودند پیداست راهی که می‌رویم درست نیست. من اخیراً در قنوت می‌گویم اهدالناالصراط المستقیم، ولی کافی نیست ما هر لحظه کج می‌رویم. عمل خاکستری‌ها را جذب می‌کند.

من اگر رفتم مسجد در راه مسجد عمامم به شاخه درخت بند شد، افتاد، خاکی شد میرم مسجدم می‌گویم آقاییون من عمامم به شاخه درخت گیر کرده افتاده ولی حیف است که نماز جماعت از دستم برود این مردم جذب می‌شوند و می‌گویند آقای قرائتی خیلی خوب است. اما اگر گفتم الو مسجد؟ یک حادثه‌ای رخ داده پس امشب نماز تعطیل است به خاطر نیم کیلو پنبه نماز جماعت را دور انداختیم من جذب نمی‌کنم.

شخصی دیوانه شده بود روز اول دیوانگیش پرچم روی دوش گرفت و گفت های های های دارم میرم کربلا، یک دیوانه دیگری بهش اضافه شد و گفت کجا میری؟ گفت: کربلا گفت: کی دیوانه شدی؟ گفت: امروز صبح گفت: من ۳۰ سال قبل از تو دیوانه شدم ولی هنوز امامزاده شهرم نرفتم تو روز اول دیوانگیت می‌خوای بری کربلا؟ من پنجاه و پنج ساله آخوندم هنوز غلط می‌کنم شما روز اول دیوانگیتون می‌خواهید چه کار کنید؟



از مردم، در مردم، با مردم

آدمی موفق هست که سه تا شرط داشته باشد از مردم، در مردم، با مردم. قیافه باید قیافه قشنگی باشه، با چادر مشکی که نمی شود جوانان را جذب کرد چادر مشکی بدرد خیابان می خورد وقتی می خواهید سر کلاس با دختر حرف بزنید رنگ شاد بپوشید. رنگ سیاه بد است بله وقتی عاشورا است و محرم است بحث آن جداست اما وقتی می خواهد حرف گوش دهد چرا باید به سیاه نگاه کند؟ قرآن می فرماید رنگ باید دل را شاد کند، اصلاح صورت باید طبیعی باشد. خطابی حرف نزنید وقتی شکم گرسنه است یک ساعت حرف بزنید. مثلا همین جلسه شما به نظرتون جلسه خوبیه؟ هیچ عاقلی تابستون از ۸ صبح تا ۸ شب کلاس می گذاره؟ ما خود حزب اللهی ها را نمی توانیم جذب کنیم با این برنامه ریزی ها، برنامه ریزی باید درست باشد.

اگر می خواهید خاکستری ها را جذب کنید باید به مردم کمک کنید. الان تابستان است ده میلیون بچه مدرسه ای داریم پنج میلیون هم دانشجو، بسیاری از این بچه های راهنمایی و دبیرستانی از نظر درسی عقب هستند یک دانشجو یعنی شمایی که می خواهید خاکستری ها را جمع کنید این جوانی که در درسش ضعیفه درسش بده این جوان قبول که شد تا آخر عمر مریدت هست. من می خواستم برم اروپا دامادم گفت من با پول خودم باهاتون میام گفتم چیکار داری؟ گفت من یه دایی دارم بچه که بودم افتادم داخل آب، دایم پرید منو نجات داد حالا می خوام برم دیدنش.

هشتم تا استاد جمع شدند هتل طبقه مشهد منم دعوت کردند برای سخنرانی گفتم موضوع چیه؟ گفتند روانشناسی ازدواج گفتم ازدواج روانشناسی نمی خواد آدم میفهمه همسر می خواد مثل خوابیدن آدم می دونه خوابش گرفته، وقتی عطش می کنه میفهمه تشنش. حالا اگه شما همین پول هواپیما و هتل را خرج می کردید پانصد تا جوان داماد می شدن. شما می تونید بچه های خاکستری محله رو جمع کنید باهاشون توپ بازی کنید بهشون علم یاد بدید بهشون پول قرض بدید.



ایدئولوژی با شکم خالی!!!

جمعیت انبوهی آدم خاکستری توی پادگان وجود دارد درسته نماز خانه پر می شود ولی گول نخورید. رفیق ما میگفت: من بین دو نماز یا بعد از آن سخنرانی می کردم که برق رفت، میگفت: تا برق رفت دیدم سربازا با مهر اینقدر به سر و کله من زدند. خب کارتون را ببرید توی این پادگان ها، به شرط اینکه چیز خوب بخورند اگر غذاش خوبه ایدئولوژی بگیرد. به آخوندهای عقیدتی سیاسی گفتم اگه دیدید غذای پادگان خوب نیست اون روز شما کلاس نمی ذارید چون آقا آب و پیاز خورده نه گوشتی نه لپه ای نه برنجی، آب پیاز پخته و زردچوبه خورده ایدئولوژی میدن که بحث عدالت ما سه ریشه دارد سربازه هم زیر زبان میگه چون ننت ما آب پیاز خوردیم میگه عدالت جون ننت.

قرآن می فرماید «کلو من الطيبات» بعد می گوید عمل صالح. آن روزی که غذا ضعیف است ایدئولوژی نگویند، هوا داغ است ایدئولوژی نگویند. گاهی وقتا اگه حرف نزنید ثوابش بیشتر است.

ولایت فقیه توی این کتابا نیست!

شخصی چند جلد کتاب نوشته بود در مورد ولایت فقیه، برد خانه آیت الله بهالالدینی گفت: آقا من یک تحقیقی راجع به ولایت فقیه کردم اینا هم کتاباش هست آقای بهالالدینی گفت: نخیر آقا نخیر ولایت فقیه توی این کتابا نیست. ما چقدر بچه های قم را جذب کردیم؟ این آقا چند تا جوان را دور خودش جذب کرده؟ شماها چه کردید؟ ما چه کردیم؟

بگو بلد نیستم.

آقایی سر نماز وضویش باطل شد حالا مردم هم اقتدا کردن گفت چه کنم وضو ندارم دیگه گفت معذرت می خواهم بی وضو هستم قصد فرادی دارم و رفت مردم هم قصد فرادی کردند از آن روز مسجد شلوغ تر شد گفتند این آقا راست میگه گفت وضو ندارم حالا بنده اگه بودم می گفتم زشته حالا بخونیم بعد قضایش را می خونم. قرآن می فرماید بگو بلد نیستم.



راه نفوذ

آیت الله فلضیوی از علمای درجه یک مشهد بود برادرش هم از وعاظ درجه یک بود گفتن آقا برو منبر گفت: آمادگی ندارم گفتم: آقا صلوات ختم کنید گفت: آمادگی ندارم باز بلندتر گفتم آقا صلوات ختم کن هی گفت آقا آمادگی ندارم خلاصه با صلوات فرستادیمش رو منبرگفت: بسم الله الرحمن الرحیم بی مطالعه سخنرانی کردن خیانت است والسلام علیکم . این یک دقیقه سخنرانی به اندازه ده تا سخنرانی اثر داشت. ببینید راه نفوذ اینهاست. راه نفوذ ابوترابی هست این خانمه که پول بلیط این آقا را داد راه نفوذ اینه که بگو آقا بلد نیستم محبوبیت پیدا میکنی. راستشو بگو نه اینکه بخاطر محبوبیت این کاررو کنی برای خدا بگو بلد نیستم راه نفوذ اینه.



پزشک صالح

ما صدتا دکتر را فرض کنیم میریم پیشش
مرض را تشخیص نمی دهد این دکتر باید سه
تا کار انجام دهد ۱- بگوید بلد نیستم ۲-
بگوید فلان پزشک بهتر از من است ۳- پول
را هم پس بدهد و بگوید حالا که مریضی
شما را تشخیص ندادم پولت را بگیر. حالا
چند تا از این صد تا این کار را می کنند؟ راه
نفوذ اینهاست. مردم خوش باطن اند.



خانم دکتر لعبت گرانیپایه

۵۴ هزار ویزیت

و ۱۵۰۰ جراحی رایگان

در مناطق محروم انجام داده

و برنده جایزه گوهرشاد شده است



آخوند اطفال

آیت الله سعیدی چرا محبوب

بود؟ روی منبر سخنرانی میکرد آیت الله

خزعلی وارد شد گفت: مردم به جدم سواد ایشون از من بیشتره و آمد پایین به آقای خزعلی گفت تو برو رو منبر. خب این اثر می‌گذارد روی مردم. من از اول عمرم خاکستری‌ها رو جذب کردم. من ۴۵ سال پیش فکر کردم آخوندا میرن منبر مذهبی‌ها دورش جمع می‌شوند گفتم پس بچه‌های توی کوچه را کی باید جذب کند؟ چرا ما پزشک اطفال داریم اما آخوند اطفال نداریم؟ من میشم آخوند اطفال جذب خاکستری این است. برای اینها باید فداکاری کنی فیزیک و شیمی درسشون بدیم استخر و شنا یادشون بدهیم که این بچه وقتی منو دید بگه این آقای قرائتی به گردن ما حق داره یه دور شنا را من از این قرائتی یاد گرفتم شنا که یاد گرفت جذب می‌شود درسش بدهیم جذب می‌شود بهش وام بدهیم جذب می‌شود.

من جایی سخنرانی می‌کردم جمعیت چند هزار نفری، بچه کوچولوها هم آمدن پای منبر، مسئولین کشوری و لشکری وارد شدند رئیس هیئت آمد به بچه‌ها گفت: پاشو پاشو بچه‌ها را بلند کرد و مسئولین را نشان من روی منبر گفتم خب این منکره، اگه کسی جایی نشسته نمیشه بلندش کرد اگر خودش بلند شد که طوری نیست اماحتی اگه یک بچه دو ساله نشسته باشه بلندش کنی رئیس جمهور جاش نماز بخواند نمازش باطل است. گفتم: آقایون مسئولین مملکت از اینکه آمدید پای سخنرانی من تشکر می‌کنم اما چون رئیس هیئت برای احترام به شما بچه‌ها را به زور بلند کرد جاتون غصبی هست لطفا بلند شوید بلند شدن گفتند: کجا بشینیم؟ گفتم هر جا که جا هست. این مسئولین بنده خدا با ژستی که داشتن هر کدام رفتند گوشه‌ای نشستند و به بچه‌ها گفتم بچه‌ها بیایید جلو بشینید بچه‌ها دویدند آمدند پای منبر و خوشحال شدند. ببینید جذب خاکستری این است نه جهان بینی و ایدئولوژی. غصه می‌خورم کل عمرتون پای جهان بینی و ایدئولوژی رفت یک نفر جذب نکردید حالا من نمیدونم شاید هم اشتباه می‌کنم با صراحت و صداقت بگویند کسانی که از راه استدلال دونفر خاکستری را جذب کردند دستشون را بالا کنند دروغ هم گناه کبیره است.



ترفع به تعداد کارتهای

دعوتی

من به مقام معظم رهبری گفتم این آقایونی که توی عقیدتی سیاسی هستند برسید چند تا از سربازایی که باید از پادگان برن بیرون داماد می‌شوند، از این حاج آقا دعوت می‌کنند؟ به تعداد کارتهای دعوتی که برایش آمده به او درجه دهید، مقام دهید، نه اینکه سرگرد بشه سرهنگ، سرگردی میاریم می‌گیم آقا این سرگرده به دلیل اینکه توی پادگان جووری رفتار کرده که اکثر بچه‌های پادگان وقتی میرن بیرون برای دامادیشون ازشون دعوت می‌کنند بنابراین تو شدی سرهنگ. باید اینطور باشه. توی بحثای تلویزیون به نظر من اون کسی که بیشترین مخاطب داره شاید بنده باشم نمیدونم شما خودتون می‌تونید قضاوت کنید حالا باز شما دروغ نمی‌گویید کسانی که معتقدن پای برنامه‌های تلویزیونی من کسانی می‌نشینند که پای سخنان آدم‌های دیگه نمی‌نشینند کسانی که همچین عقیده‌ای دارند بدون تعارف دست بلند کنند خب تقریبا اکثر شما دست بلند کردید پس من تونستم چند درصدی از خاکستری‌ها را جذب کنم.



مؤسس فیضیه قم اومد تو مریض خونه دید یه طلبه خوابیده گفت چته؟ گفت مریضم رفت خونه سوپ درست کرد آورد داد به طلبه این راه نفوذ است. خدا رحمت کنه آیت الله انوری رو ده دوازده سال زندان بود شنیدم که امام بهش پیغام داده گفته گرچه تو زندانی ولی من در نجف مرتب به تو دعا می‌خوانم. یه سری از این خاکستری‌ها مریض می‌شوند یک تیم باید بره عیادت اینها اون تیم باید پزشک باشند چون این جوان مثل آهو است آهو تا پا دارد فرار می‌کند اما همین که تیر بهش خورد افتاد آنجا اگر یک قصاب بسم الله بگه و سرش را ببرد یه بیست کیلو گوشت آهو داریم. بعضی جوان‌ها تا پا دارند نمیان پای سخنرانی ما چون خاکستری اند اما اگر عیادتش رفتی توی عیادت همیشه پنج دقیقه باهاش صحبت کرد اون پنج دقیقه اثر دارد.

آهوی رمیده



این‌ها ایدئولوژی نمی‌خواد.

مکه، یه حاجی با خانومش اومده بود اینا به هم نیاز داشتند ولی خب عمره به زن و شوهرها اتاق خالی میدن ولی حج چون شلوغه هر اتاقی هشت تا مرد داخلشه و هر اتاقی هم هشت تا زن. زن و شوهر با هم نمیتونن باشن ولی خب این جوان میخواست با خانمش باشه دیگه حلاله. قرآن می‌فرماید زن و شوهر ملالت ندارن زشت هم نیست. به من گفت. گفتم: قانون حج دست من نیست ولی من روحانی کاروانم روحانی یه اتاق خصوصی داره که زن و مرد میخوان بیان سوال شرعی بپرسن. دیگه توی اتاق روحانی کسی نیست گفتم من یه اتاق دارم تنهام کسی نیست در ۲۴ ساعت دو تا دو ساعت مال خودمه که میتونم برم حرم اون دو ساعتی که من میرم حرم کلید را به شما می‌دهیم برید با خانومتون تنها باشید کلید را دادیم رفتیم حرم برگشتیم دو ساعتی بود و الان چند ساله حدود بیست ساله از اون کار میگذره اون بنده خدایی که کلید را بهش داده بودم تو میدون بار فروشی داره هر وقت که بخوایم زنگ میزنیم آقا پیاز، دو کیلو سیب زمینی، دو کیلو خیار می‌خوایم سیب می‌خوایم کدو می‌خوایم هر چی می‌خوایم بر میداره با تاکسی میاره در خونه، بعد بیست سال، چون یه اتاق خالی بهش دادیم این جذب خاکستری هاست ایدئولوژی نمی‌خواد.

عمامه‌ای از جنس نور

توی جاده میرم میبینم ماشین توی گل فرو رفته ترمز میزنم میگم چتونه میگن آقا ماشین توی گل فرو رفته زنجیر نداریم طناب هم نداریم میگم والا منم ندارم ولی عمامه نو هست بین اگر عمامه من کار طناب ازش میاد میتونم عمامه باز کنم بهت بدم ماشین از خاک بکشی بیرون اینطوری این تا آخر عمرش جذب من میشه.

خاک این باغچه را باید عوض کرد...

نمی‌دونم به نظر من خاک این باغچه را باید عوض کرد تغییرات اساسی باید انجام داد اول خودتون باید ازدواج کرده باشید که ما خاطرمون جمع باشه که خودتون حداقل پنجاه درصد دین دارید چون هر کس ازدواج کند پنجاه درصد دین دارد آن پنجاه درصد هم با تقوا و نماز بدست می‌آید. آدمی که عذب است در معرض خطر است اول باید ازدواج کنید سالن‌هایی که سپاه داره به سپاه میده به غیر از سپاه هم بدهد به جوان‌هایی هم که میخوان داماد شوند بدهد اما بگوید اینجا باید آهنگ مجازی باشد.

جذب امام سجاد (ع)

امام رضا (ع) چطور جذب کرد؟

امام سجاد سخنرانی می کرد جمعیتی نشسته بودند یک نفر آمد جا نبود امام سجاد عبایش را برداشت گفت آقا جا نداری بنشینی این عباس است گفت عبای من را پهن کن. این جذب است.

جاذبه نان

خاکستری ها جوان های سوپر دولوکس و دخترهای بدحجاب نیستند گاهی وقتا مذهبی ها هم خاکستری می شوند. یک سؤال؟ ما چند تا مسجد داریم که پایگاه بسیج است؟ ده هزار تا هست؟ بیشتره؟ حالا بگوییم هزار تا هست رئیس بسیج پایگاه بگه بچه بسیجی ها ما بسیج مسجد هستیم توی محله ما نه تا پیرزن هستند و هفت تا پیرمرد صبح که میشه نفری یک نان می گیریم و می بریم در خونه این ها می گیم تابستونه شما پیرمردی ما نون می گیریم بهت می دهیم آخر تابستان خواستی پولش را بده. یه نون بدید به این پیرمرد بخوره این به پسرش تو کانادا زنگ بزنه بگه این بسیجیای مسجد صبح به صبح یک نان داغ به ما می دهند این از کانادا جذب میشه با یک نون، ایدئولوژی نمی خواهد.

توی حمام یه نفر امام رضا را نمی شناخت گفت آقا میشه کیسه منو بکشی؟ گفت بله شروع کرد به کیسه کشیدن و یک نفر آمد و گفت ایشان امام رضا هست فهمیدی کیه؟ گفت نه. گفت این امام رضا هست گفت نه نه آقا... امام رضا گفت تا تمام نکنم فایده ندارد باید کیست را تمام بکنم. امام رضا با کیسه کشیدن جذب کرد.

جذب علامه طباطبایی

علامه طباطبایی چهل سال تقریبا استاد علامه آیت الله ابراهیم امینی بود فقه و اصول و تفسیر و فلسفه و عرفان، علامه طباطبایی مرحوم شد با ایشان مصاحبه کردند که شما از استاد چهل ساله یک خاطره بگو گفت یک روز علامه عبایش را انداخته بود روی عبایش نشسته بود تا من آمدم گفت آقای امینی شما هم روی عمامه من بنشین گفتم نه من خودم عبا دارم گفت دوست دارم روی عمامه من بنشینی گفتم آقا شما استادی من روی عمامه شما بنشینم؟ گفت من دوست دارم گفتم باشه آیت الله امینی روی عمامه نشست چهل سال فقه و اصول و فلسفه پرید اما روی عبای من بنشین ماند این جذب.



بهتر از من

به موسی گفتند برو پیش فرعون. خب موسی پیغمبر الوالعظم هست گفت: داداشم حضرت هارون هم بیاید او بیانش از من فصیح تر است او خوش بیان تر است او بیاید. اگه از خودتان بهتر سراغ دارید بگویند، برو کنار این باشد چه اشکال دارد؟ نگو نه ما دورش را دیدیم حالا این بیاید رئیس شود؟ گاهی وقتها شما تنهایی موفق نیستید. پیش نماز محله عالم، ملا و همه کمالات را دارد اما چون سنش بالا است با نسل تو نمی تواند ارتباط برقرار کند. یک طلبه جوان و خوش سلیقه را بگیرید بگویند آقا من پیر شدم ارتباط جوان ها تو باش سوالی، جوابی، حمد و سوره ای، تعلیم قرآنی، عیادت مریضی، قرض الحسنه ای، نیازهای یک جوان را تو برطرف کن بگو من توان ندارم.

امام سه ساله !!!

امام زمان سه ساله به امامت رسید مگه بچه سه ساله میتونه امام بشه؟ بله چه جوری؟ فلش کامپیوتر بهترین مثال برای امان زمان است. فلش یک سانت در یک سانت توش هم خالی هست و از جنس فلز وصل به کامپیوتر که شد صدهزار صفحه از آن فلز میاد توی این فلز باریکلا انسان چیزی ساخت که صدهزار نکته علمی از به فلز به فلز از جماد به جماد می تواند منتقل شود آن هم فلز یک سانتی اگر انسان توانست علم را از فلز به فلز منتقل کند خدای انسان نمی تواند علم را از امام حسن عسکری به بچه سه ساله منتقل کند؟

امام زمان زن و بچه دارد؟

سؤال می کنند امام زمان زن و بچه دارد یا نه؟ واجب است بدانید؟ نه. مستحب است بدانیم؟ نه. الان شما با خانم امام زمان مشکلی داری؟ نه. گفتم جامعه ما الان گیرش زن امام زمانه؟ گفت نه. گفتم پس سؤالت احمقانه است سوالی از من پرسیدی که نه واجب است نه مستحب است نه نیاز به فرد است نه نیاز به جامعه. به من چه امام زمان زن و بچه دارد یا نه.



انسان ربا

سخنرانی داشت. بحث خلود بود(خالدین فیها)
سؤال بود که ما که ۳۰ سال گناه کردیم چرا خدا
می گوید خالدین فیها؟ مگه خدا عادل نیست؟
ایشون یک بحث فلسفی کرد و منم گفتم خدایا
حرفای ایشون را می فهمند نمی فهمند؟ سخنان
ایشان که تمام شد گفتم مردم تکان نخورید از
پله ها رفتم بالا مطهری نشست به بغلش نشستم
گفتم هر کس حرف استاد را فهمید که خدا روشکر.
چرا پنجاه سال گناه می کردیم خدا می گفت تا ابد
بسوز بحث علمیش را شنیدید حالا من بحث
روانش را بگم آقا شما یک دقیقه یک ثانیه با چاقو
می زنی توی چشمت تا ابد کوری، یه نفر به شما
فحش می دهد سی سال کینه او توی دلتون هست
مطهری خندید گفت راست می گوید من اگر این
مثال قرائتی را داشتم اینقدر معطل نمی شدم
آنوقت فرداش میگفت حالا ببینیم قرائتی مثال
داره بیاد بگه. اون شده بود چایی پررنگ ما شده
بودیم آبجوش هر جا را که نمی فهمیدن ما می رفتیم
حل می کردیم.

اگر میخواهی میوه های بالا را جذب کنی اول باید
میوه های پایین را جذب کنی. اونجا که دستمون
میرسه می چینیم می خوریم تمام که شد میوه های
پایین را می چینیم وقتی که تمام شد پیمان را
میداریم شاخه اول میریم شاخه دوم همینطور
شاخه دوم پا میداریم میریم شاخه سوم. شما اولی
ها رو جذب کنید شریک بگیرید تنها نمی توانید.
ممکنه یک استاد دانشگاه باشد با یک آخوند
شریک شوند یا دبیر باشد با یک طلبه شریک شود
شریکی باشید اینجاش با من اونجاش با تو.

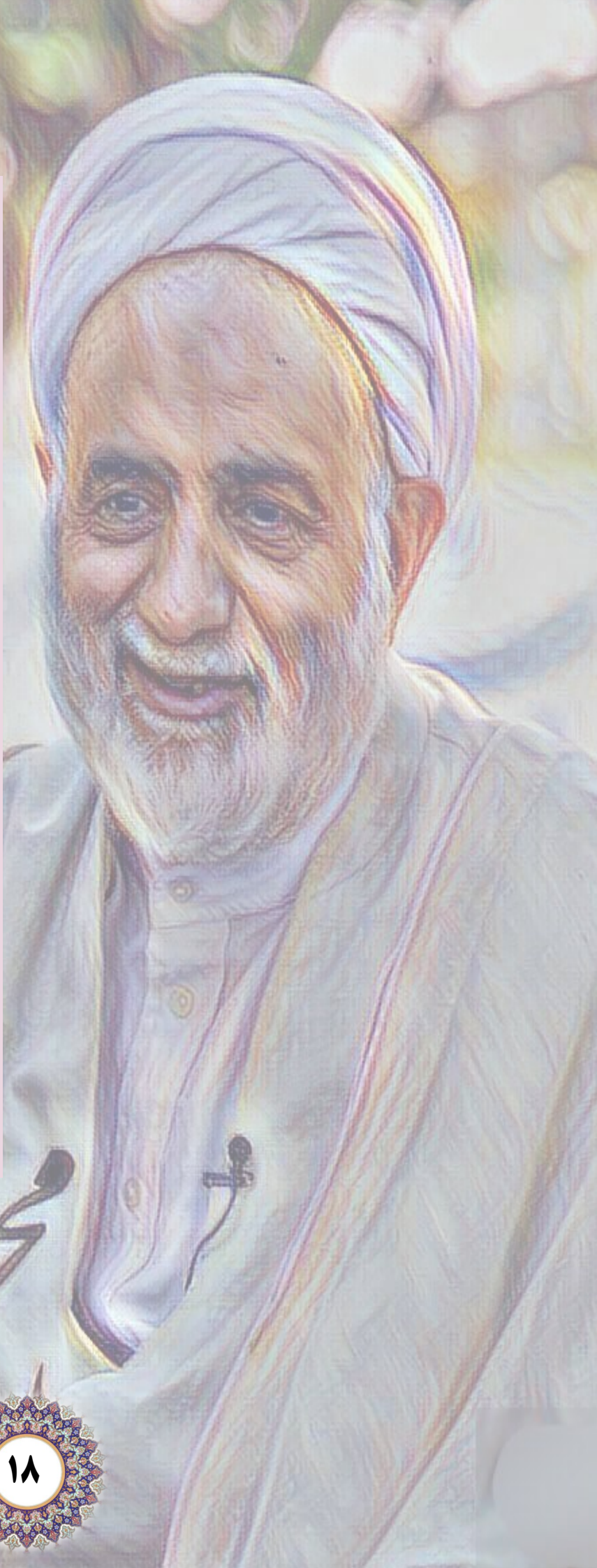
شخصی گفت برویم همدان هفت متر میپریم گفت:
بیا همین جا هفت متر بپر. سپاه چند تا پادگان
دارد؟ ارتش چند تا پادگان دارد وزارت دفاع ؟
نیروی انتظامی؟ این پادگان هایی که نسل نو
داخلش هست بسیاری از آنها خاکستری هستند
شما بروید اول سراغ آنها بیکه خاکستری اند و تو
دستتون هست اونوی که تو دستت هست بگیر تا
برسه به اونوی که فراری هست. اونوی که فراری
هست گرفتنش مشکل هست قلاب می خواهد.
هزاران جوان داریم. شبهات جوانان را باید بتواند
جواب دهد اگر یک جوان آمد سؤال شما را جواب
داد شما جوابش را سؤال کردید این می شود مرید.
زمان شاه بود مرحوم مطهری آمده بود اهواز



اگر چیزی نو دارید پژوهش کنید مثلا تفسیر نو دارم.

حرف نو دارم غیر از تفسیر نمونه من توی

تفسیر نمونه هم هفده سال بودم ولی بعد هم یه چیزایی به ذهنم رسید که توی تفسیر نور نیست خود آیت الله مکانی هم شاگرد علامه است چیزایی توی تفسیر نمونه هست که توی المیزان نیست بعضی ها ژست علمی میگیرن میگن نور که مال قرائتیه سوادى نداره باید المیزان مطالعه کنیم یعنی ادای محقق در میارن بابا المیزان تفسیری بوده که علامه برای آقای جوادی عاملی گفته آخه بچه‌های خاکستری با المیزان جذب میشن؟ ادا در نیارید. شخصی گوشش درد میکرد گفت برو بکش گفت چرا؟ گفت من دندونم درد میکرد کشیدم گفت آخه این چکار داره به اون؟ پژوهش نکنید مگر راجب مساله‌ای که واقعا درباره آن پژوهش نشده آرمتون را بردارید. ما خودمون گیر خودمون هستیم ما وقتی خودمان به پاهامون زنجیر هست که نمی‌توانیم از پای مردم زنجیر در آوریم خودمون گیریم گیر آرم نباشید گیر لقب نباشید گیر عنوان نباشید .



مستشرقین

خرج احمقانه

مثلا وقتی پول خرج می کنید برای حفظ قرآن؟ چقدر؟ فلان میلیون. حالا بگو یک عالم اسلام شناس پاشو امضا کند چون یا میرم بهشت یا میرم جهنم اگر رفتم بهشت بذار یه آخوند هم ببرم با خودم اگر رفتم جهنم روز قیامت میگن بابا این الویت نداشت آنوقت بگیم این آقا امضا کرد حالا من اسلام شناس بودم این آقا که سی سال درس خونده این چرا امضا کرد؟ یک اسلام شناس بودجه هاتون را امضا کند. خیلی کارای احمقانه با پول انجام میشه توی مملکتمون با پول بیت المال کار احمقانه میشه. مرا بردند مشهد یه جایی جایزه بدهم جایزه هفتم گفتم چی هست؟ گفتند اینها کارهای پژوهشی کردند گفتیم خب بگید چی بوده گفت پژوهش های جهان بینی ایدئولوژی قرآنی گفتم بابا من خودم پژوهشگرم بگید گفتند یه آیه توی قرآن یازده تا قاف داره گفتیم هر کس پیدا کرد جایزه بگیره حالا اینها از اول تابستان تا آخر تابستان قاف پیدا می کردند. همیشه به اینها گفت الاغ، الاغ قهر میکنه میگه من به اندازه یک خر خرم. آخه قرآن نازل شد که قاف بشمرید؟

یک قراردادی بود که من توی تلویزیون هو کردم. عقب نشینی کردند یک قرآن ده میلیارد تومانی که هر کلمه آن با یه چوبی هست. پول بیت المال را آتش میزنند به اسم کارهای ابتکاری. حتما کارهاتون زیر نظر یک اسلام شناس باشد وگرنه قیامت گیرید.

کسی میگفت پسر من نابغه است گفتن چرا؟ گفت ۴۰ سالش شده تازه به بابا میگه مامان. پس من اگه مریضم حداقل مشورت می‌توانم بدهم. من چشمم، رودم، دندانم مشکل پیدا کرده اما هنوز فکرم کار میکنه پس از فکرم استفاده کنید توی کشور نسخه جذب خاکستری‌ها را باید من بدهند. اگر بمیرم این حرف رامیزم وگرنه پست نمی‌خواهم. من چیزی از شما نمی‌خواهم. من وضع مالیم از همه شما بهتره شهرت هم دارم نه شهرت می‌خواهم و نه پست می‌خوام. اما اگر بناست خاکستری‌ها جذب بشوند باید نسخه‌اش را من بدهم عمل کنید چون من عملیاتی عمل کردم ایدئولوژی نگفتم عمل کردم.



رساله مراجع چند تا مساله مورد نیاز را بگویید: شک یک و دو رابگویید دو و سه را بگویید شک بین دو و پنج؟ اصلا هیچ جنی در تاریخ یه همچین شکی کرده؟ رفتم خونه یه چند تا مراجع گفتم بابا این‌ها را بردارید از رساله، این‌ها مورد نیاز نیستند گفت نمیدونم والا. من خندم میگیره شما کار فرهنگی می‌کنید. مواظب باشید بدون چند تا اسلام شناس، کاری نکنید.

حرف حق

خودتان را بهتر از دیگران ندانید، با واسطه کار کنید گاهی وقت‌ها به ما گفتند پول می‌خواهید بدهید به فقیر بده به بچه‌ها که او بدهد به فقیر یعنی این اتفاق را به یک نسل دیگر هم منتقل کن. ممکنه حرف شما را گوش ندهد یه پسر عمویی داری پسر دایی داری، با کسی شریکید که او جاذبش بیشتره آن وقت او عملیاتی باشد شما از فکر و مطلب کمکش کن.

